

# الگوی خانواده مطلوب از منظر ابن‌سینا و ارزیابی آن با رویکرد اسلامی و فمینیستی

یحیی بوذری نژاد<sup>۱</sup> و ابوالفضل اقبالی<sup>۲</sup>

## چکیده

مناسبات خانواده و تدبیر منزل، از مهم‌ترین مباحث حکمت عملی نزد فلاسفه در طول تاریخ بوده است. رجوع به آرای حکمی و فلسفی درباره سیاست منزل، رافع خلأهای تئوریک موجود در عرصه سیاست‌گذاری خانواده خواهد بود. ابن‌سینا یکی از فلاسفه اسلامی مهم و تأثیرگذار است که به صورت میسوط به مباحث مربوط به مناسبات خانواده و تدبیر منزل پرداخته است. بازخوانی آرای وی درباره الگوی خانواده مطلوب و ارزیابی آن با آموزه‌های اسلامی و فمینیستی، هدف پژوهش حاضر است. روش انجام این پژوهش، به صورت مطالعه اسنادی و تحلیلی می‌باشد. تحقیق پیش رو، الگوی خانواده را بر اساس محورهای پنج‌گانه «ازدواج و طلاق»، «ساخت قدرت در خانواده»، «روابط زوجین»، «تقسیم کار جنسیتی» و «بُعد خانوار» در نگاه ابن‌سینا تبیین کرده، سپس به صورت تطبیقی هریک از این موارد را با آموزه‌های اسلامی ارزیابی کرده است. یافته‌های پژوهش حاضر از این امر حکایت دارد که دیدگاه‌های ابن‌سینا قرابت‌های بسیاری با آموزه‌های منبعث از منابع دینی و اسلامی داشته و در تعارض جدی با رویکردهای فمینیستی به خانواده هستند.

واژگان کلیدی: ابن‌سینا، تدبیر منزل، الگوی خانواده، اسلام، فمینیسم.

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۳۰ تاریخ تأیید: ۹۷/۴/۵

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران (y\_bouzarinejad@ut.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران (abolfazleqbali@ut.ac.ir).

## مقدمه

در حکمت عملی که تبیین مقدرات انسانی و بایدها و نبایدها با هدف سعادت آدمی است، از سه حوزه اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدن بحث می‌شود که بر سه ساحت فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان مبتنی است. خانواده به‌عنوان سنگ‌بنای شکل‌گیری جوامع بشری، از دیرباز تاکنون مورد توجه حکما و فلاسفه بوده است. مباحثی همچون اهمیت و ضرورت تشکیل خانواده، کیفیت روابط زن و مرد در خانواده، تربیت فرزندان، مناسبات اقتصادی خانواده، ساخت قدرت در خانواده و... همواره در صدر مسائل و موضوعات مبتلابه «حکمت عملی» در طول تاریخ بوده است؛ به‌همین دلیل مبحث سیاست و تدبیر منزل، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های میراث حکمی و فلسفی بشر از یونان باستان تاکنون می‌باشد. این که با کدام الگوی مدیریتی در مناسبات منزل می‌توان خانواده را به صلاح و سعادت رهنمون ساخت، پرسشی بنیادین است که فلاسفه را به تفکر و قلم‌فرسایی در این باره مجاب می‌کند. میراث فلسفه اسلامی به همین مناسبت، از رسائل و آثار مکتوبی سرشار می‌باشد که به‌وسیله حکما و اندیشمندان بدین موضوع اختصاص یافته است.

در عصر مدرن بر ساحت فردی و اجتماعی زندگی انسان تأکید فراوان شده است و نشانه روشن این مدعا نیز علوم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی‌اند، ولی چیزی که به‌واسطه تقلیل‌گرایی مدرنیته از ساحات وجودی انسان به حاشیه رانده شده، ساحت خانوادگی زندگی اوست (کرمانی و سلگی، ۱۳۹۲، ۱۲۳). امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌های تئوریک که هم در سطح بین‌المللی و هم در کشور ما به چشم می‌آید، در عرصه سیاست‌گذاری خانواده است؛ بنابراین بازخوانی میراث حکمی و فلسفه اسلامی با محوریت خانواده و سیاست منزل، یکی از راهکارهای رفع این خلأهای نظری در باب مناسبات خانواده است.

شیخ‌الرئیس *ابوعلی سینا* یکی از فلاسفه و اندیشمندان مسلمانی است که در باب سیاست و تدبیر منزل، آثار و نوشته‌های قابل توجهی دارد و به‌طور مبسوط به این موضوع پرداخته است. اهمیت پرداختن به آرای حکمی *ابن سینا* در باب تدبیر منزل در مقاله پیش رو، از آن جهت است که وی هم دیدگاه‌های مدوّن و مبسوطی درباره خانواده و تدبیر منزل در آثار خود دارد که قابلیت استخراج الگو دارند و هم اینکه یکی از ویژگی‌های آشکار *ابن سینا*، تلاش در جهت پیوند میان

حکمت عملی با شرع و فقه اسلامی است؛<sup>۱</sup> براین اساس پژوهش حاضر درصدد خوانشی از آرای ابن‌سینا در باب حکمت عملی و تدبیر منزل است تا از این رهگذر به ارائه الگویی مدون از خانواده در نگاه ایشان نایل گردد و سپس به انطباق این الگو با آموزه‌های منبعث از منابع دینی و نیز ادبیات فمینیستی پردازد.

## ۱. ادبیات نظری

در این بخش ابتدا به بررسی پیشینه پژوهش پرداخته و سپس به چارچوب نظری و روش‌شناسی بحث اشاره می‌گردد.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

پرداختن به میراث فلسفی ابن‌سینا از منظر حکمت عملی منزل، هم در داخل کشور و هم در خارج کشور، ادبیات نظری معتناهی ندارد و معدود مقالات منتشرشده در این باره نیز رویکردی کاملاً توصیفی و غیرتحلیلی به آرای ایشان داشته، استخراج الگوی خانواده مطلوب در دیدگاه‌های وی مدنظرشان نبوده است. درذیل به برخی مقالات مهم‌تر مرتبط با موضوع پژوهش حاضر اشاره می‌گردد:

محقق داماد (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان «تدبیر منزل در منظر ابن‌سینا» به تبیین و بررسی برخی آرای شیخ‌الرئیس درباره سیاست منزل با رویکرد توصیفی می‌پردازد. وی پس از بیان انگیزه‌های تشکیل خانواده از منظر ابن‌سینا، به بیان دستورات لازم‌الرعايه حکیم درباره ازدواج می‌پردازد و درنهایت به اصول تدبیر خانواده از نگاه ابن‌سینا اشاره می‌کند. مقاله مذکور توصیفی ساده از رساله سیاست ابن‌سینا بدون هیچ شرح و تحلیلی است. نورانی‌نژاد (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «فن تدبیر منزل به روایت ابن‌سینا»، با همان رویکرد توصیفی به شرح توصیه‌های حکیم ابن‌سینا در تدبیر منزل پرداخته، در پایان به صورت مختصر به مقایسه برخی آرای وی با افلاطون مبادرت ورزیده است. کرمانی و سلگی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با نام «تحلیل حیات خانوادگی

---

۱. ابن‌سینا با مشهوره دانستن قضایای حکمت عملی از جمله «حُسن و قبح عقلی عدل و ظلم»، آنها را از دایره امور برهانی خارج می‌داند و اساساً بحث درباره سیاست مدن و تدبیر منزل را در حیطه شریعت، بازخوانی و تحلیل می‌کند (ر.ک: بوذری‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷).

(منزلی) انسان در حکمت عملی با تأکید بر آرای ابن‌سینا، به تحلیل جایگاه خانواده به‌عنوان یکی از ابعاد مهم حیات انسان با تأکید بر دیدگاه‌های ابن‌سینا پرداخته‌اند. *صادقی و بخش‌سی* (۱۳۹۷) نیز در مقاله مشترکی با‌عنوان «جایگاه زن در نظام اجتماعی و خانواده از نگاه فارابی، ابن‌سینا و خواجه نصیر»، به مقایسه دیدگاه‌های این سه حکیم مسلمان درباره خانواده و نقش زن در آن می‌پردازند. *انتظاری و اسدیپور* (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای با‌عنوان «اندیشه‌های جمعیتی ابن‌سینا با تأکید بر باروری» به بررسی دیدگاه‌های شیخ‌الرئیس درباره باروری، زایمان و بهداشت کودک و... می‌پردازند.

به‌نظر می‌رسد نقطه تمایز مقاله حاضر با آثار مذکور درباره آرای ابن‌سینا در مورد خانواده این است که مقالات پیشین فقط گزارشی توصیفی از آرای ایشان در باب تدبیر منزل ارائه داده‌اند، در حالی که دغدغه پژوهش حاضر، استخراج الگوی خانواده مطلوب از منظر ابن‌سینا و مقایسه آن با آموزه‌های اسلامی است.

## ۱-۲. چهارچوب نظری و روش‌شناسی

پژوهش پیش رو، به‌لحاظ نظری در حیطه حکمت عملی مشاء قرار دارد و آرای فلسفی حکیم *ابوعلی‌سینا* به‌عنوان منبع و چهارچوب نظری مباحث آن در نظر گرفته شده است. به‌لحاظ روش‌شناختی نیز از روش تحلیل اسنادی بهره گرفته است. در پژوهش اسنادی تلاش بر این است که اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع پژوهش، به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش بررسی شوند (Bailey, 1994, p.214). مراحل انجام تحقیق به‌قرار ذیل است: الف) جمع‌آوری منابع و مراجع مربوط به موضوع؛ ب) مطالعه منابع و فیش‌برداری از آنها در جهت مفاهیم کلیدی تحقیق؛ ج) طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های حاصله برای پاسخ‌گویی به مسئله پژوهش.

افزون‌براین منظور از «الگوی خانواده» در مقاله حاضر، ابعاد سه‌گانه خانواده از منظر رویکرد جامعه‌شناسی کارکردی *تالکوت پارسونز* (Talcott Parsons) است که شامل «ساختار خانواده»، «کارکردهای خانواده» و «روابط نقشی» می‌شود (روزن بام، ۱۳۷۶، ص ۷۴)؛ بنابراین در پژوهش حاضر، ابعاد سه‌گانه مذکور در پنج محور ذیل بحث خواهند شد: ۱. ازدواج و طلاق؛ ۲. روابط زوجین؛ ۳. توزیع قدرت؛ ۴. تقسیم کار؛ ۵. بُعد خانوار.

## ۲. الگوی خانواده سینیوی

در این بخش ابتدا به بررسی الگوی خانواده سینیوی در ۵ محور فوق‌الذکر پرداخته و در ادامه به انطباق آن با آموزه‌های اسلامی می‌پردازیم.

### ۲-۱. ازدواج و طلاق

#### ۲-۱-۱. ازدواج و تشکیل خانواده

ازدواج در نگاه *ابن‌سینا* برترین ارکان مدینه و جامعه تلقی می‌شود (*ابن‌سینا*، ۱۳۹۵، ص ۳۵۱) و از نخستین اموری است که در امر تشریح و قانونگذاری مدینه باید توجه شود (همان). موانع تحقق این امر مهم همچون زنا و لواط که افراد را نسبت به ازدواج بی‌نیاز می‌سازد نیز باید تحریم و به‌شدت با آنها برخورد شود (همان، ص ۳۵۲). *ابن‌سینا* معتقد است ازدواج باید علنی و آشکار صورت گیرد تا از بروز شبهات در نسل و ذریه که خود منشأ ایجاد نابسامانی در انتقال ارث و میراث، نفقه و خرج اهل و عیال است، جلوگیری شود (همان). وی با ازدواج در سنین پایین (پیش از بلوغ) مخالف است و پیامدها و آثار نزدیکی با دختر نابالغ را با رویکرد پزشکی تشریح می‌کند (ر.ک: همو، ۱۳۸۹، ص ۲۹۷). از اشکال گوناگون ازدواج همچون چندشوهری، چندزنی، ازدواج با محارم و... که در طول تاریخ بوده‌اند، در نگاه *ابن‌سینا* فقط چندزنی و تعدد زوجات به‌رسمیت شناخته شده است و مابقی مایه ننگ و عار شمرده شده‌اند (ر.ک: همو، ۱۳۹۵، ص ۳۵۳). اشتراک در مرد برای زنان که همان تعدد زوجات در اسلام می‌باشد، در نگاه *ابن‌سینا* تأیید شده است؛ البته به شرط اینکه بر عدالت استوار گردد.

انگیزه‌های ازدواج و تشکیل خانواده در نگاه *ابن‌سینا* چند دسته‌اند که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

**الف) انگیزه اقتصادی:** این نگاه که در رساله *السیاسة* *ابن‌سینا* به‌شدت پُررنگ است، انگیزه اولیه و ابتدایی ازدواج و تشکیل خانواده را اقتصادی صرف می‌داند و دیگر انگیزه‌های عاطفی و اجتماعی را نتیجه تبعی ازدواج با انگیزه اقتصادی تلقی می‌کند. ایشان در این رساله به تشریح تفاوت انسان با حیوان در تأمین معاش خود می‌پردازد و این‌گونه استدلال می‌کند که چون انسان برخلاف حیوان، آینده‌نگر است و مایحتاج خود را ذخیره می‌کند، به منزل و خانه نیاز دارد و برای

حفظ مایحتاج خود از چپاول و غارت، نیازمند کسی است که از آن نگهداری دهد و از آنجا که نشستن در خانه و نگهداری به وسیله خودش به دلیل اقتضای تأمین معاش امکان‌پذیر نیست، به‌ناچار نیازمند کسی است که در زمان عدم حضور وی در خانه، جانشین او باشد و کسی شایستگی این جانشینی را دارد که مایه سکون و آرامش او نیز باشد؛ بنابراین مرد ناگزیر است برای خود همسری از جنس مؤنث انتخاب کند تا هم نگهدارنده مالش باشد، هم مایه سکون و آرامش او قرار گیرد (همو، ۱۹۸۵، ص ۱۵).

(ب) انگیزه اجتماعی: *ابن‌سینا* در جای دیگری برای امر ازدواج و تشکیل خانواده، انگیزه‌ای

غیراقتصادی و صرفاً اجتماعی بیان می‌کند. وی در کتاب *الشفاء* می‌نویسد:

ثم أول ما يجب أن يشرع فيه هو أمر التزواج المودى إلى التناسل؛ و أن يدعوا إليه و يحرض عليه؛ فإن به بقاء الأنواع التي بقائها دليل وجود الله تعالى: نخستین چیزی که باید در امر شهر تشریح شود، امر ازدواج است که به زاد و ولد منجر می‌شود و باید آن را تبلیغ و تشویق کرد؛ زیرا با ازدواج است که انواع بقا می‌یابند و همین بقا دلیلی بر وجود خدای تعالی است (همو، ۱۳۹۵، ص ۳۵۱).

ایشان در اینجا بقای نسل را انگیزه ازدواج برمی‌شمرد و آن را دلیل وجود خدای تعالی می‌داند. همچنین در کتاب *السياسة* به این موضوع اشاره می‌کند که انگیزه مرد از ازدواج، داشتن فرزندی است که در دوران پیری و ناتوانی او را یاری دهند و سرپرستی او را برعهده گیرند و پس از او یادش را زنده نگاه دارند (همو، ۱۹۸۵، ص ۱۷).

نکته‌ای که باید بدان توجه کرد اینکه *ابن‌سینا* در هیچ‌جایی از آثارش برای ازدواج، انگیزه‌ای غیر از دو مورد پیش‌گفته بیان نمی‌کند و برخلاف آن چیزی که در برخی مقالات درباره *ابن‌سینا*، انگیزه عاطفی و روانی برای ازدواج ذکر شده است، نویسنده اعتقاد دارد سکون و آرامشی که ایشان از آن سخن می‌گوید، نتیجه تبعی ازدواج با انگیزه اقتصادی یا اجتماعی است؛ زیرا از منظر وی محبت و علاقه پس از ازدواج و در درون زندگی مشترک ایجاد می‌گردد؛ براین‌اساس این مقوله نمی‌تواند به‌عنوان انگیزه ابتدایی تشکیل خانواده و ازدواج قلمداد شود. از منظر *ابن‌سینا* عشق و محبت به‌جز در سایه الفت، تحقق نمی‌یابد و الفت نیز به غیر از عادت حاصل نمی‌گردد و عادت نیز از رهگذر هم‌نشینی طولانی مدت

محقق می‌شود (همو، ۱۳۹۵، ص ۳۵۲)؛ بنابراین عشق نتیجه زندگی و هم‌نشینی و انس زن و شوهر است.

## ۲-۱-۲. طلاق و جدایی

در نگاه شیخ‌الرئیس همان‌گونه که ازدواج بنیان مدینه است، طلاق و جدایی نیز عامل فروپاشی اجتماع قلمداد شده است؛ به‌همین دلیل باید پیوند ازدواج به‌اندازه‌ای تثبیت و تقویت شود که با هر ناراحتی و دلیلی نگسلد (همان)، باوجوداین نباید راه جدایی و طلاق را کاملاً مسدود کرد؛ زیرا ایجاد بن‌بست در این موضوع سبب بروز پیامدهای ناگواری در روابط زوجین خواهد شد؛ ازجمله این پیامدهای ناگوار که *ابن‌سینا* بدان اشاره می‌کند، فزونی شر و نفرت و بی‌میلی میان زن و مرد و درنتیجه تمایل به ارتباط با دیگری در قالب روابط فراخانوادگی است که آسیب آن هم برای جامعه و هم برای خانواده، به‌مراتب بیشتر از طلاق است (همان، ص ۳۵۳). با توجه به مطالب پیش‌گفته باید همیشه راهی برای گسستن پیوندهای متزلزل و ازدواج‌های نادرست وجود داشته باشد؛ البته باید در همین راه نیز کمال سخت‌گیری و حساسیت به‌خرج داده شود.

همچنین در نگاه *ابن‌سینا* همان‌گونه که امر ازدواج و تشکیل خانواده، امری مردانه و قائم به اراده مرد است، امر طلاق و جدایی نیز باید در اختیار مرد باشد؛ زیرا *ابن‌سینا* زنان را به‌واسطه «واهیة‌العقل» بودن و پیروی از احساس و غضب، مرجع مناسبی برای تصمیم‌گیری درباره طلاق در زندگی نمی‌داند (همان، ص ۳۵۲). ایشان در مورد مردان نیز طریق احتیاط درپیش گرفته، معتقد است در اختیار داشتن حق طلاق برای مردان نباید باعث سخت‌گیری و بدرفتاری با زن شود که در این صورت اختیار طلاق به‌دست حاکمان واگذار خواهد شد. ازسوی دیگر همین اختیار طلاق برای مردان نیز به‌معنای سهولت در تحقق اراده آنها برای طلاق نیست، بلکه باید همراه با غرامت قانونی و سخت‌گیری‌های لازم باشد (همان).

شیخ‌الرئیس یکی از علل اصلی نارضایتی زوجین و طلاق را اختلال در کارکرد جنسی خانواده می‌داند. تنظیم رفتار جنسی افراد و تأمین نیازهای آنان در این باره یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده است؛ بنابراین اختلال در این کارکرد و نارضایتی جنسی زن و مرد در زندگی مشترک،

سهام بسزایی را در ایجاد بحران و تنش در روابط آنها می‌تواند ایفا کند و به فروپاشی خانواده بینجامد. *ابن‌سینا* با شناخت دقیق از اهمیت برطرف‌شدن نیاز جنسی طرفین و تأثیر نارضایتی جنسی زن و مرد در طلاق و جدایی، می‌نویسد:

بسیار اتفاق افتد که دَکَر مرد، کوچک یا کوتاه است و چون این کوچکی از حد طبیعی کمتر است، برای زن هیچ لذتی دربرندارد، زن آب پشتش نمی‌ریزد. شاید همین کوتاهی و کوچکی ذکر موجب شود که زن از شوهرش نفرت پیدا کرده و پی مرد دیگری بگردد و ازسوی دیگر اگر فرج زن تنگ نباشد، مرد را خوش نیاید و از اثر نفرت مرد، زن نیز دلگیر می‌شود و با شوهر نمی‌سازد. آن وقت هردو می‌خواهند جفت خود را عوض کنند (همو، ۱۳۶۶، ص ۲۶۰).

وی به‌اندازه‌ای بر اهمیت این موضوع تأکید دارد که شرم طبیبان در پرداختن به این موضوع و ارائه دانش آن به زوجین را نکوهش می‌کند و آسیب‌های ناشی از این شرم نابجا را این‌گونه یادآور می‌شود:

طبیبان معالج بیماران شرم دارند که درباره بزرگ‌شدن ذکر مردان یا تنگ‌شدن فرج زنان و لذت‌بردن زنان از جماع، شرحی بدهند و این مسائل را تبیین نمایند، اما نمی‌دانند که در این پرده‌پوشی چه زیان‌هایی به مردم رسیده و تولید نسل آنها را با مشکل مواجه می‌کند (همان، ص ۲۶۱).

## ۲-۲. ساخت قدرت در خانواده

الگوی اقتدار در خانواده نزد *ابن‌سینا* همچون یک هرم است که در رأس آن جایگاه مرد به‌عنوان رئیس و سرپرست خانواده قرار دارد و زن، جانشین او در خانه است و جایگاه فرزندان و خدمتکاران نیز به‌ترتیب در این سلسله مراتب قدرت قرار می‌گیرد. محوریت خانواده در نگاه *ابن‌سینا* با مرد است و زن، فرزند، خدم و... همگی اهل و عیال وی محسوب می‌گردند (همو، ۱۹۸۵، ص ۱۵). مبنای این اقتدار نیز در تأمین اقتصادی و معاش اعضای خانواده به‌وسیله مرد است. *ابن‌سینا* این ساخت قدرت را مایه اعتدال در مناسبات خانواده می‌داند و دگرگونی و جابه‌جایی در سلسله مراتب قدرت در این هرم را نامطلوب دانسته، پیروی مرد از زن را مایه ننگ و هلاکت وی می‌خواند (همان، ص ۱۵)؛ براین اساس برای حفظ این الگو و جایگاه مرد در خانواده، توصیه‌هایی مبنی بر چگونگی



رفتار مرد با همسرش دارد که عبارت‌اند از:

**الف) هیبت شدید: ابن‌سینا** برای جلوگیری از ایجاد دگرگونی در سلسله مراتب اقتدار خانواده و نابسامانی‌های ناشی از آن، مردان را به داشتن هیبت شدید در ارتباط با زنان توصیه می‌کند. او معتقد است اگر مرد در برخورد با زن، هیبت نداشته باشد، زن او را خوار شمرده، امر او را تمکین نخواهد کرد و حتی او را مطیع خویش خواهد ساخت. در این شرایط، تدبیر امور منزل به دست زن خواهد افتاد و اعتدال در امور خانواده از میان خواهد رفت. در چنین شرایطی ننگ، عار و حقارت نصیب مرد می‌شود و موجبات طغیان و تمرد زن را فراهم خواهد ساخت (همان، ص ۱۶).

**ب) تکریم زن:** اصل دیگری که **بوعلی‌سینا** برای ارتباط شایسته مرد با همسرش بر آن تأکید می‌کند، تکریم زن از سوی مرد است؛ زیرا زن در رویارویی با احترام و تکریم مرد نسبت به خویش، می‌کوشد این روند را حفظ کند و از زوال آن می‌هراسد؛ بنابراین در چنین شرایطی جز رفتار همراه با احترام و خوبی، از زن سرنخواهد زد و این همان چیزی است که مرد با صرف هزینه‌های هنگفت نیز نمی‌تواند محقق سازد.

**ج) اشتغال زن به امور مهم:** اصل مهم دیگری که **ابن‌سینا** مردان را در سیاست‌شان در برابر زنان بدان توصیه می‌کند، مشغول ساختن زن به امور مهم خانواده از جمله تربیت فرزند، رسیدگی به امور خدمتکاران و... است؛ زیرا معتقد است اگر زن مشغله نداشته باشد، تمامی هم و غم او مصروف آرایش برای جلب توجه دیگران خواهد شد (همان، ص ۱۷). اشتغال زن به امور مهم از منظر **ابن‌سینا** کاملاً درون‌خانوادگی است و با اشتغال بیرون از خانه زن مخالفت می‌کند (همو، ۱۳۹۵، ص ۳۵۳).

### ۲-۳. روابط زوجین

زن و شوهر مهم‌ترین ارکان یک خانواده‌اند و روابط متقابل آنها مناسبات خانواده را رقم می‌زند و کانون خانواده بر تعامل این دو مبتنی می‌باشد. **ابن‌سینا** بر روابط متقابل زوجین با یکدیگر و الزامات و استانداردهای رفتاری هر دو تأکیدات آشکاری دارد.

#### ۲-۳-۱. بایسته‌های رفتار مرد با زن

الزامات و تکالیف رفتاری مرد در برابر همسرش عبارت‌اند از:

**الف) حمایت مادی و امنیتی از زن: ابن‌سینا** با بیان مقدماتی از این دست که اولاً، جاذبه زنان برای مردان جدی است؛ ثانیاً، امکان فریب خوردن زنان و ملعبه قرار گرفتن آنان برای مطامع مردان قابل توجه است؛ ثالثاً، متابعت زنان در مناسبات اجتماعی از احساسات، بیشتر از عقل است؛ رابعاً، بهره‌وری جنسی مشترک از زنان نیز ننگ و فساد مترتب بر آن بسیار است، نتیجه می‌گیرد که باید حق امنیت جنسی زنان در مناسبات اجتماعی حفظ شود و از امکان ابزار قرار گرفتن زنان و بهره‌کشی همگانی از آنان از طریق ازدواج جلوگیری شود. راهکار پیشنهادی او این است که زنان باید در محیط خانه محفوظ بمانند و به اشتغال در بیرون خانه نپردازند و در مقابل، قانون مردان را ملزم کند هزینه زندگی آنها را بپردازند (همان).

**ب) فراهم کردن زینت نیکو:** به نظر *ابن‌سینا* با توجه به طبع زن و علاقه ذاتی او به زینت و آرایش، بهتر است مرد با ایجاد شرایط و زمینه آراستگی و زینت زن، به شخصیت او احترام بگذارد.

**ج) حفظ حجاب و پوشیدگی زن:** *ابن‌سینا* پوشیدگی زن از نامحرم را یکی از مصادیق حفظ احترام و کرامت زن می‌داند و به همین دلیل به مرد توصیه می‌کند در حفظ حجاب همسرش بکوشد.

**د) عدم تحریک حس غیرت زن:** *ابن‌سینا* یکی دیگر از مصادیق تکریم زن به وسیله مرد را ممانعت از هرگونه رفتاری می‌داند که حس غیرت‌ورزی یا حسادت را در زن برانگیزد.

**ه) وفای به عهد:** *بوعلی‌سینا* یکی دیگر از وظایف مرد در برابر همسرش را عمل به وعده و پای‌بندی به قول‌هایی می‌داند که به زن می‌دهد. بدعهدی مرد به زن سبب خواری او در چشم زن خواهد شد.

**و) رعایت جوانمردی:** از نظر *ابن‌سینا*، مراعات جوانمردی و مروّت از سوی مرد در رویارویی با همسرش، یکی دیگر از الزامات رفتاری مردانه به‌شمار می‌رود (همو، ۱۹۸۵، ص ۱۸).

## ۲-۳-۲. بایسته‌های رفتار زن با مرد

*ابن‌سینا* رفتارهای شایسته زن در رویارویی با مرد را این‌گونه برمی‌شمرد:

**الف) فروتنی و مطیع بودن:** *ابن‌سینا* زن خوب و صالحه را مطیع اوامر و منویات شوهر

دانسته، تمکین اقتدار مرد در خانواده را یکی از رفتارهای شایسته زن در رویارویی با مرد می‌داند. وی معتقد است زن خوب در خدمت به شوهرش فروتن و باتدبیر عمل می‌کند.

(ب) **خیرخواه شوهر بودن:** یکی دیگر از رفتارهای شایسته زن صالحه در رویارویی با شوهر از منظر *ابن‌سینا*، خیرخواه شوهر بودن است. زن به‌عنوان *قیّم* و جانشین مرد در خانه و امین مال و آبروی شوهر باید خیرخواه شوهرش در زندگی باشد.

(ج) **امانت‌دار بودن:** زن خوب از منظر *ابن‌سینا* در غیاب شوهر، نسبت به مال، آبرو و فرزندان شوهرش امانت‌دار و امین است.

(د) **قناعت و صرفه‌جویی:** *ابن‌سینا* معتقد است زن خوب و شایسته، در اقتصاد خانواده همواره کمک‌حال شوهر است و با صرفه‌جویی و قناعت در مصرف، کم شوهر را زیاد می‌کند.

(ه) **اخلاق نیکو:** زدودن غم و رنج شوهر با اخلاق نیکو و پسندیده، یکی دیگر از بایسته‌های رفتار زن در رویارویی با شوهر از منظر *ابن‌سینا* است. وی معتقد است زن خوب، با لطف، مدارا، نزدیکی و صمیمیت با شوهر، در زدودن غم‌ها و تسلی خاطر شوهر در خانه می‌کوشد.

(و) **حفاظت از خود در برابر نامحرم:** یکی دیگر از رفتارهای مطلوب زن در برابر شوهر، حفاظت از خویش به‌مثابه ناموس مرد در غیاب وی است (همان).

#### ۲-۴. تقسیم کار

در نگاه *ابن‌سینا* تقسیم کار در خانواده مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی و با لحاظ مصالح زن و خانواده است. ایشان به الگوی جنسیتی تقسیم کار سنتی که در آن مرد، نان‌آور خانواده و زن، خانه‌دار است، قائل بوده، دگرگونی در این نقش‌ها را به‌مصلحت نمی‌داند. مبنای این تقسیم کار نزد *بوعلی‌سینا* این است که اولاً، چون زن دارای جذابیت بوده، در معرض شهوت عموم مردان است؛ ثانیاً، از آنجاکه زن زودتر از مرد فریب می‌خورد و کمتر تابع عقل است، باید به‌وسیله شوهر مصون بماند؛ بنابراین جایز نیست زن مانند مرد اهل کسب و پیشه باشد.

از منظر وی شایسته آن است که زن در خانه بماند و به امور مهم خانه اشتغال ورزد و مرد وظیفه تأمین مادی، روانی و امنیتی او را برعهده گیرد (همو، ۱۳۹۵، ص ۳۵۳). *ابن‌سینا* همچنین بر نقش مادری زن تأکید دارد و شیر مادر را به‌مثابه بهترین تغذیه برای نوزاد تلقی کرده است (همو، ۱۳۶۶، ص ۳۵۱).

## ۲-۵. بُعد خانوار

از منظر *ابن سینا* یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های ازدواج و نیز یکی از کارکردهای خانواده، فرزندآوری و ازدیاد نسل است (نقدی، ۱۳۸۶، ص ۲۴) و اساساً ازدواج از همین رو ارکان مدینه و بنیان شهر قلمداد شده است. وی همچنین در ضمن بیان ویژگی‌های زن خوب، یکی از این ویژگی‌ها را «زایایی» زن بیان می‌کند (ر.ک: ابن سینا، ۱۳۶۶، ص ۷۷) و این توانایی را به‌عنوان یکی از اصول حاکم بر ازدواج و همسرگزینی به حساب می‌آورد (ستوده، ۱۳۸۲، ص ۷۱).

اگرچه تصریحی درباره بُعد خانوار در آثار *ابن سینا* به چشم نمی‌خورد، ولی به‌طور ضمنی می‌توان برداشت کرد که وی به خانواده گسترده قائل بوده، به فزونی اهل و عیال مرد توجه داشته است؛ زیرا در جایی به این امر اشاره می‌کند که ازدیاد اعضای خانواده، نیاز به استخدام خدمتکار را به دنبال دارد (ر.ک: ابن سینا، ۱۹۸۵، ص ۱۴). این جمله بر بُعد گسترده خانوار در نگاه ایشان دلالت دارد.

## ۳. بحث و ارزیابی

دیدگاه‌های *ابن سینا* در باب خانواده و مناسبات آن از سویی با رویکرد دینی همخوانی و قرابت بسیاری داشته و از سوی دیگر با رویکردهای فمینیستی در تعارض آشکار است. در بحث اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده، دین اسلام به قداست و آسمانی‌بودن پیوند ازدواج قائل است و نفس ازدواج و تشکیل خانواده در این رویکرد، اهمیت و موضوعیت دارد و جامعه اسلامی باید زمینه تحقق این پیوند آسمانی را برای جوانان مهیا سازد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۵۱/نوری، ۱۴۰۱، ج ۱۴، ص ۱۵۴/مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱/محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۸۰/حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۴۵)، ولی از دیدگاه فمینیستی، خانواده نهادی است که ارزش‌های جامعه مردسالار را در تربیت فرزندان و نسل آینده جامعه درونی می‌کند و به بازتولید نظم مردسالار قوت می‌بخشد (Beachy, 1979 & Steinem, 1970 & Levin, 1978 & Firestone, 1974 & Barrett, 1967)؛ بنابراین باید محدود شود یا از میان برود. *کیت میلِت* می‌گوید:

خانواده نهادی ستمگر است. زنان *مِلک* مردان و برده *صیرف* هستند و خود

خانواده سازمانی فتودالی است که برای جامعه‌پذیری جوانان جهت نظم جامعه‌ای بزرگ‌تر طراحی شده است. خانواده باید از بین برود و مراقبت از کودکان به‌طور قطع بهتر است به‌جای افراد آزرده و اغلب ناخرسند (والدین)، به کارورزان کاملاً تعلیم‌دیده از هر دو جنس واگذار شود (Millett, 1970, p.89).

همچنین اسلام به انحصار ارضای نیاز جنسی در قالب ازدواج قائل است و در آیات و روایات متعدده، به اهمیت و قداست این پیوند اشاره شده است (نور: ۳۲/ نساء: ۲۰-۲۱/ روم: ۲۱) و به نهی و ذمّ روابط جنسی خارج از این قالب از جمله زنا (اسراء: ۳۲/ نساء: ۱۵/ نور: ۲) و لواط (اعراف: ۸۰/ عنکبوت: ۲۹/ نمل: ۵۴/ نساء: ۱۶) می‌پردازد. برخلاف این منظر را می‌توان در ادبیات فمینیستی افراطی دید که روابط همجنس‌گرایی را به ازدواج دو ناهمجنس ترجیح می‌دهند. کاترین هولدن (Kathrine Holden) از نظریه‌پردازان فمینیسم، در نامه‌ای به سردبیر مجله ساین (Sign) می‌نویسد:

من می‌خواهم بگویم که «دوجنس‌خواهی» (Bisexuality) چگونه به فمینیسم ارتباط پیدا می‌کند. به‌نظر من باید «دوجنس‌خواهی» و دیگر هویت‌های جنسی را ماورای هنجار «دوجنس‌خواهی» (Heterosexuality) پذیرفت. من که یک فمینیست هستم، «دوجنس‌خواهی» را بهترین و قوی‌ترین شکل «تساوی جنسیتی» می‌دانم؛ زیرا فردی که خواهان برقراری ارتباط با دو جنس (زن و مرد) است، هیچ‌گونه محدودیتی برای انتخاب شریک جنسی خود ندارد و به‌نظر من شخصیت هر فرد در انتخاب شریک جنسی مهم‌تر از جنسیت اوست (Holden, 1998, p.7).

رویکرد ابن‌سینا درباره عشق دقیقاً برخلاف گفتمان حاکم در دنیای مدرن است که تجربه عشقی را خارج از چارچوب ازدواج و تشکیل خانواده پیگیری می‌کند. امروزه طرفداران گفتمان قداست عشق بر غیر اخلاقی بودن ازدواج تأکید کرده<sup>۱</sup> و آن را به مثابه پایان عشق قلمداد می‌کنند. در بهترین حالت، نسبت میان عشق و ازدواج در دنیای مدرن اینگونه است که در مشاوره‌های قبل از ازدواج عشق به مثابه مقدمه ضروری ازدواج تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر در زندگی

---

۱. اخیراً مصاحبه‌ای از دکتر مصطفی ملکیان در فضای مجازی منتشر شد که ایشان در آن مصاحبه به چند دلیل بر غیراخلاقی بودن ازدواج تأکید می‌کرد.

مدرن زن و مرد ابتدا عاشق می‌شوند و بعد ازدواج می‌کنند و پس از مدتی محبت و عشق میان آنها رو به افول رفته و زائل می‌گردد. اما در نگاه *ابن‌سینا* زن و مرد ابتدا با انگیزه‌های دیگری غیر از عشق ازدواج می‌کنند و بعد از مدتی عشق و محبت در روابطشان ایجاد شده و پیوند آنها را مستحکم‌تر می‌کند.

شاید تنها اختلاف میان آرای *ابن‌سینا* و آموزه‌های دینی درباره ازدواج، به موضوع انگیزه‌های ازدواج مربوط باشد. اسلام برخلاف *ابن‌سینا* که انگیزه اقتصادی و اجتماعی ازدواج را بسیار پررنگ می‌بیند و اشاره‌ای بر انگیزه عاطفی و روانی ندارد، بر انگیزه‌های عاطفی و روانی ازدواج و سکون و آرامش حاصل از آن برای زوجین تأکید می‌ورزد (روم: ۲۱). در نگاه اسلام، زن و مرد مکمل یکدیگرند که این اکمال در قالب ازدواج صورت می‌گیرد و نیاز متقابل عاطفی آنها برآورده می‌شود.

نگاه *ابن‌سینا* به طلاق نیز با آموزه‌های اسلامی در این باره کاملاً همخوان است. طلاق در اسلام به‌عنوان قبیح‌ترین حلال مطرح می‌شود (هندی، ۱۴۱۳، ج ۲۷۸۷۱) که عرش خدا را به‌لرزه درمی‌آورد و مصالح جامعه اسلامی، اقتضای محدودکردن این پدیده را دارد. حق طلاق در این رویکرد، نوعاً و به‌جز استثنائات قانونی، در اختیار مردان است. این حکم بر اساس آیات متعدد قرآن کریم درباره طلاق که مردان را مخاطب خود قرار می‌دهد (بقره: ۲۲۷ و ۲۳۱ / احزاب: ۴۹ / طلاق: ۱) و نیز روایات متعدد در این باره (ر.ک: هندی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۶۴۰ حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱، ص ۲۸۹) اثبات می‌گردد.

در بحث ساخت قدرت در خانواده نیز نگاه *ابن‌سینا* با رویکرد اسلامی قرابت بسیاری داشته و با ادبیات فمینیستی مدرن تعارض دارد. در نگاه اسلام، ریاست و سرپرستی خانواده با مرد است و وی وظیفه تأمین معاش اعضا را برعهده دارد (نساء: ۳۴ / حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۲، ص ۴۲ / نوری، ۱۴۰۱، ج ۱۴، ص ۲۴۸ / طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۲۱۷). این تقسیم‌بندی بر تکوین و خلقت زن و مرد مبتنی است (بقره: ۲۲۸)؛ به عبارت دیگر تفاوت‌های تکوینی زن و مرد سبب می‌شود مرد در خانواده به‌عنوان سرپرست و مسئول تعیین گردد. همچنین در این رویکرد، زن به تمکین و فرمان‌بری از شوهر در مناسبات خانواده موظف می‌باشد (حرّ عاملی،

۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۵۳/ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۶/ نوری، ۱۴۰۱، ج ۱۴، ص ۲۴۷). اما در نگاه فمینیستی، اقتدار مردان در خانواده منشاء ظلم و ستم جنسیتی تلقی شده است. فردریش انگلس یکی از سردمداران فمینیسم مارکسیست می‌نویسد: «ستم وارد بر زنان اصولاً از نظام مردسالاری است. در خانواده مردسالار، هیچ چیز طبیعی نیست و مردان برای تصاحب اموال و اعمال قدرت به زنان، تسلط همه جانبه دارند» (Engels, 1975:75) بتی فریدان نیز یکی دیگر از رهبران جنبش فمینیسم در غرب، خانه سنتی را به اردوگاه کار اجباری تشبیه می‌کرد که زندانیان آن، زنان خانه‌داری هستند که به وسیله نیروی زنانگی، شست و شوی مغزی شده‌اند و دیگر انسان نیستند (Friedan, 1963:75).

همچنین در نگاه دینی، بر لزوم آموزش و تعلیم مسائل جنسی به زوجین و افزایش دانش آنان نسبت به نیازهای جنسی متقابل تأکید شده است. روایات بی‌شماری در متون دینی درباره کیفیت و آداب روابط زناشویی هست که هدف شارع نسبت به تعلیم و آموزش جنسی به زن و مرد را نشان می‌دهد (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۱۸/ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۰).

در موضوع روابط زوجین نیز می‌توان گفت غالب نظرات و توصیه‌های ابن‌سینا به زن و مرد، برگرفته از رویکرد اسلامی وی بوده است. روابط زوجین در اسلام بر محبت مبتنی است (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۱۵/ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲/ دیلمی، ۱۴۱۲، ص ۱۷۵). در نگاه اسلام، زن و شوهر حقوق متقابلی دارند که هریک موظف‌اند نسبت به حقوق دیگری احترام قائل شوند و یکدیگر را برای خواسته‌ها و مطالبات مادی زندگی تحت فشار قرار ندهند و نسبت به یکدیگر کم‌توقع و قانع باشند. احترام و عزت زنان، وظیفه مرد است و توصیه‌های فراوانی درباره تکریم زنان به وسیله مردان در اسلام وجود دارد (نساء: ۱۹/ طلاق: ۵/ هندی، ۱۴۱۳، ج ۱۶، ص ۳۷۱/ پایدار، ۱۳۷۶، ج ۱۵۲۰/ حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱، صص ۳۶۲ و ۳۶۵/ نوری، ۱۴۰۱، ج ۱۵، ص ۱۱۸/ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴/ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸، ص ۳۸۹). همچنین یکی از وظایف زن مسلمان در برابر شوهر این است که خود را از آن شوهر بداند و نفس خود را صرفاً به وی محدود کند؛ زیرا زن،

ناموس مرد است و باید در برابر مردان نامحرم، از ناموس شوهرش محافظت کند (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۴۰).

در مورد تقسیم کار جنسیتی نیز می‌توان قرابت نگاه *ابن سینا* با آموزه‌های اسلامی و اختلاف آن با دیدگاه فمینیسم را دریافت. اگرچه در نگاه اسلام، اشتغال بیرون از منزل زنان، مجاز شمرده شده است و آیات قرآن (بقره: ۲۳۴ / نساء: ۳۲ / قصص: ۲۳) و روایات فراوان (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۹ / حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۲، ص ۴۹ / نوری، ۱۴۰۱، ج ۱۳، ص ۱۲) و همچنین گزارش‌های تاریخی از سیره زنان اهل بیت علیهم‌السلام و زنان صحابه که به اشتغال و کسب درآمد می‌پرداختند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز مخالفتی با آن نداشتند (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۲، ص ۲۴۶ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۷، ص ۴۹)، بر این امر دلالت دارند، ولی با کاوش در نظام ارزشی اسلام در مورد تقسیم جنسیتی نقش‌ها در خانواده، درمی‌یابیم که گویا چنین مورد نظر است که وجهه اصلی همت زن، خانه و خانواده باشد. تقاضای حضرت علی‌علیه‌السلام و *فاطمه* علیها‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره تقسیم‌بندی فعالیت‌ها و احاله کارهای درون خانه به *فاطمه* علیها‌السلام و فعالیت‌های بیرون از منزل به علی‌علیه‌السلام در یک روایت تاریخی معروف (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۱۷۲ / نوری، ۱۴۰۱، ج ۱۳، ص ۴۸)، نشان‌دهنده تفکیک جنسیتی فعالیت‌ها در نگاه اسلام است. همچنین روایات متعددی درباره اهمیت نقش‌های همسری (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۷، ص ۱۶۶ / حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، صص ۳۲ و ۴۰ / پایدار، ۱۳۷۶، ج ۲۸۹۲ / نوری، ۱۴۰۱، ج ۱۳، ص ۱۳۴ / طوسی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۴۰)، مادری (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۱۲۵ / نوری، ۱۴۰۱، ج ۱۵، ص ۱۸۲، کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۶ و ج ۲، ص ۱۳۰ / صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۹ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۸۵ / طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۲۳۴ / احسائی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۴۲) و خانه‌داری (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۵ / نوری، ۱۴۰۱، ج ۱۴، ص ۲۴۵) زنان در منابع دینی به چشم می‌خورد. اما تقسیم کار جنسیتی و انجام نقش‌های همسری، مادری و خانه‌داری توسط زنان در نگاه‌های فمینیستی به شدت مورد انتقاد و چالش قرار گرفته است. سیمون دوبووار، یکی از تاثیرگذارترین رهبران جنبش فمینیسم و مؤلف کتاب جنس دوم (The Second Sex) می‌گوید: «هیچ زنی نباید مجاز



باشد تا در خانه بماند و فرزندانش را بزرگ کند. جامعه باید به‌طور کامل متفاوت شود. زنان نباید حق انتخاب داشته باشند دقیقاً به این دلیل که در صورت داشتن حق انتخاب، بسیاری از آن‌ها سرگرم همان کارهای پیشین می‌شوند...» (De Beauvoir, 1975:12) کیت میلر نیز در این زمینه می‌نویسد: «تا زمانی که اولویت اصلی زن، مراقبت از کودکان باشد، او نمی‌تواند یک انسان آزاد باشد. اینکه هر زنی را لزوماً باید مادر دانست، از افسانه‌های مورد علاقه محافظه کاران است» (Millett, 1970:129) فایرستون نیز می‌نویسد: «تقسیم‌بندی زیست‌شناختی، که وظیفه باروری را به زنان می‌سپرد، موجب سرکوب زنان و تولید مثل سرمنشأ سلطه مردان بر زنان است و تنها راه آزادی حقیقی زنان رهانیدن آنها از بار تولید مثل از رهگذر فناوری‌های علمی جدید می‌باشد زیرا پیشرفت فناوری‌های بارداری امکان حذف مبنای زیستی فرودستی زنان را فراهم می‌کنند. این پیشرفت قید بچه‌داری (از راه آبستن شدن از مردان) را از گردن زنان برداشته و بچه‌دار شدن و بچه‌داری کردن می‌تواند به صورت وظیفه مشترک مرد و زن درآید» (Firestone, 1970:167).

در محور جمعیت و بُعد خانوار نیز میان دیدگاه‌های ابن‌سینا و آموزه‌های دینی، همخوانی وجود دارد. در نگاه اسلام به خانواده، یکی از مهم‌ترین کارکردهای این نهاد تأثیرگذار، تولید نسل و افزایش جمعیت در جامعه اسلامی است. بُعد خانوار در این رویکرد، گسترده بوده و توصیه‌های دینی به کثرت اولاد و فرزندان گرایش دارند (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۱۴). از منظر متون دینی، فرزند شایسته، نعمتی از نعمت‌های الهی و گلی از گل‌های بهشت است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳). افزون‌براین مایه زینت زندگی (کهف: ۴۶)، یار و مددکار انسان (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱، ص ۳۵۶)، یادگار و جانشین پدر و مادر در دنیا (همان، ص ۳۵۷) بوده، استغفارگویی و اعمال نیک او سبب آمرزش و نیک‌بختی والدین در حیات اخروی می‌شود (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۰۹). اما برخلاف این دیدگاه، فمینیست‌ها به شدت از سقط جنین به مثابه حق زنان دفاع کرده و آن را ترویج می‌کنند. فایرستون در طرح خود به نام «دیالکتیک سکس» می‌نویسد: «اولین تقاضاهای نظم اجتماعی فمینیستی آن خواهد بود که به هر وسیله ممکن، زنان را از شر بیولوژی تولیدمثل نجات دهند» (Firestone, 1970:167) اکثر نظریه‌پردازان فمینیسم رادیکال

معتقدند زنان حق پایان دادن به بارداری خود و یا سقط جنین را دارند و این امری شخصی و مربوط به خود زن است و نه دولت (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۸۶). بتی فریدان با دفاع از سقط جنین، آن را «حق جوهری غایی زنان» می‌خواند (Friedan, 1963:14) و مری دیلی می‌گوید همه تلاش فمینیست‌ها باید مصروف ایجاد جامعه‌ای شود که در آن مشکل سقط جنین وجود نداشته باشد (Daly, 1968:41).

### نتیجه

در مقاله حاضر تلاش بر این بود تا الگوی خانواده مطلوب از منظر حکیم بوعلی سینا مورد بررسی قرار گرفته و تصویر حاصل شده با آموزه‌های اسلامی و نیز رویکردهای فمینیستی منطبق و ارزیابی گردد. این بازخوانی آراء ابن سینا در ۵ محور ازدواج و طلاق، ساخت قدرت در خانواده، روابط زوجین، تقسیم کار در خانه و بعد خانوار صورت گرفت. در بحث ازدواج به اهمیت، انگیزه‌ها و اشکال ازدواج پرداخته شد. ازدواج از منظر ابن سینا بنیان و ارکان اصلی جامعه تلقی شده که با انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گیرد. طلاق نیز مهم‌ترین تهدید برای ارکان اجتماع محسوب می‌شود که اگرچه نباید مسیر آن را مسدود کرد اما حتی‌الامکان باید در مورد آن سخت‌گیری نمود. همچنین ابن سینا اختیار طلاق را برای مردان می‌داند. نگاه وی در این قسمت با توجه به آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و قرابت زیادی میان این دو به چشم خورد. همچنین اختلاف و تعارض این منظر با دیدگاه‌های فمینیستی مورد بررسی واقع شد.

همچنین در بحث ساخت قدرت در خانواده ابن سینا قائل به سلسله مراتب اقتدار با محوریت مرد در خانواده و لزوم پیروی زن و فرزند و خدم و ... از او به عنوان سرپرست و رئیس خانه است که این نگاه نیز با ادبیات دینی اسلام کاملاً منطبق بوده و با رویکرد فمینیستی در تعارض است. در بحث روابط زوجین نیز قرابت‌های زیادی میان نگاه بوعلی و آموزه‌های اسلامی مبنی بر اصول رفتاری زن و مرد در مواجهه با یکدیگر و همچنین اختلاف آراء وی با نظریات فمینیستی مشاهده گردید. همچنین در محور تقسیم کار همان‌طور که از آموزه‌های اسلامی نیز می‌توان برداشت کرد، ابن سینا قائل به تقسیم جنسیتی نقش‌ها در خانواده است. به این صورت که مرد به

حکمت و فلسفه اسلامی الگوی خانواده مطلوب از منظر ابن سینا و ارزیابی آن با رویکرد اسلامی و فمینیستی ۷۱

عنوان سرپرست و تامین کننده مخارج خانواده در بیرون از خانه به کسب و کار مشغول شود و زن به عنوان مدیر و مدبر و جانشین مرد در خانه به اشتغال در امور فرزندان و خانه همت گمارد. در محور بُعد خانوار نیز به همین ترتیب انطباق آراء *ابن سینا* با توصیه های دینی و تعارض آن با ادبیات فمینیستی مشهود بود.

## منابع

- \* قرآن کریم.
۱. ابن سینا، حسین؛ *السیاسة؛* قاهره: دارالعرب، ۱۹۸۵م.
  ۲. —؛ *الهیات از کتاب شفاء؛* ترجمه ابراهیم دادجو؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۹۵.
  ۳. —؛ *قانون در طب؛* ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هه ژار)؛ تهران: سروش، ۱۳۶۶.
  ۴. احسائی، ابن ابی جمهور؛ *عوالی اللئالی؛* قم: انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
  ۵. انتظاری، علی و عهدیه اسدپور؛ «اندیشه‌های جمعیتی ابن سینا با تأکید بر باروری»، *فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان؛* ش ۲، زمستان ۱۳۹۶، ص ۸۷-۶۳.
  ۶. بوذری نژاد، یحیی؛ *روش‌شناسی حکمت عملی؛* تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.
  ۷. پایدار، ابوالقاسم؛ *نهج الفصاحه؛* تهران: جاویدان، ۱۳۷۶.
  ۸. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ *وسائل الشیعة إلى تفاصيل مسائل الشریعة؛* قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.
  ۹. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن؛ *إرشاد القلوب؛* قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
  ۱۰. روزن بام، هایدی؛ *خانواده به‌مثابه ساختاری درمقابل جامعه؛* ترجمه محمدصادق مهدوی؛ چ ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
  ۱۱. ستوده، هدایت‌الله؛ *تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام؛* تهران: آوای نور، ۱۳۸۲.
  ۱۲. صادقی حسن‌آبادی، مجید و منصوره بخشی؛ «جایگاه زن در نظام اجتماعی و خانواده از نگاه فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر»، *دوفصلنامه حکمت سینوی؛* ش ۵۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۵-۵.
  ۱۳. صدوق، محمدبن علی؛ *من لایحضره الفقیه؛* قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
  ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مکارم الأخلاق؛* بیروت: دارالحوراء، ۱۴۰۸ق.

۱۵. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الأحکام؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۴.
۱۶. کرمانی، طوبی و فاطمه سلگی؛ «تحلیل حیات خانوادگی (منزلی) انسان در حکمت عملی با تأکید بر آرای ابن سینا»، مجله فلسفه و کلام اسلامی؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۴۲-۱۲۳.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۸. —؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۹. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. محقق داماد، سید مصطفی؛ «تدبیر منزل در منظر ابن سینا»، مجله فرزانه؛ ش ۸، زمستان ۱۳۷۵، ص ۳۲-۶۵.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمة؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۶.
۲۲. مشیرزاده، حمیرا؛ از جنبش تا نظریه اجتماعی؛ تهران: شیرازه، ۱۳۷۴.
۲۳. نجمی زنجانی، محمد؛ ابن سینا و تدبیر منزل؛ تهران: چاپخانه ایران، ۱۳۱۹.
۲۴. نقدی، اسدالله؛ «افکار اجتماعی بوعلی سینا»، مجموعه مقالات همایش بین المللی ابن سینا؛ همدان: دانشگاه بوعلی سینا همدان، ۱۳۸۶، ص ۶۴-۲۷.
۲۵. نورانی نژاد، حمیده؛ «فن تدبیر منزل به روایت ابن سینا»، مجموعه مقالات همایش بین المللی ابن سینا؛ همدان: دانشگاه بوعلی سینا همدان، ۱۳۸۳، ص ۹۳-۸۴.
۲۶. نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۱ ق.
۲۷. هندی، علاء الدین؛ کنز العمال؛ بیروت: مؤسسة پایان نامه، ۱۴۱۳ ق.
28. Bailey, K. D.; **Methods of Social Research**; New York, Free Press, 1994.
29. Barrett, Michelle. (1989). **Women's Oppression Today**. Halo ton Press.
30. beachy (1979), **Introducing Women Studies**, M.C. Milan Press Limited, London.

31. Bernard, Jessie. (1981). **The Good Provider Role: Its Rise and fall.** American Psychologist.
32. De Beauvoir, Simone. (1949). **The Second Sex.** Translated by H.M. Parsley. N.Y: Vintage Book.
33. Engels, Fredrick, (1972). **The Origin of Family Private Property, and the State,** Pathfinder presses.
34. Firestone, Shulamith, (1970). **The Dialectic of Sex.** in: Linda Nicholson (ed.), **The Second Wave,** New York and London: Rutledge,
35. Friedan, Betty. (1963). **The Feminine Mystique.** N.Y: Dell.
36. Holden Kathrine, **Letter to the Thistle: On Bisexuality and Feminism Sign, Journal 1998**
37. Millett, Kate. (1969). **Sexual Politics.** Garden City, N.Y: Doubleday